

Repercussions of the war in Ukraine (2022) on the cross-regional geo-economic situation of the Islamic Republic of Iran: a case study of energy and transit

Seyed Hassan Mirfakhraei

Associate Professor, Department of International Relations, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran.

Email: For501520@yahoo.com

Abstract

The war in Ukraine has had significant results and consequences on the international system. The highly economic nature of the contemporary world has increased the focus of these consequences on the economic field. However, in the analytical studies, generally the peripheral regions of Russia and especially Europe have been the basis of the analysis of these outputs. The effect of this war on other areas has been less noticed. From this point of view and considering the unique geo-economic position of the Islamic Republic of Iran among several important regions including Central Asia, Russia, South Asia, South Caucasus, Iraq and Shamat, and the Persian Gulf, this article tries to find out how, level, direction And the depth of this influence should be investigated. In this framework, the question of the present article is based on the fact that in the field of energy and transit, what effect will the war in Ukraine have on the geo-economic position of the Islamic Republic of Iran? In response to the findings of this article, it shows that in the field of Iran's role in transit corridors, alternative capabilities for oil export, as well as potential capacities in energy transfer and gas export, the war in Ukraine has led to the strengthening of the geo-economic position of the Islamic Republic of Iran. This research was conducted using a qualitative method based on content analysis and theoretical conceptualization of geo-economy and inter-regional networks and a descriptive-analytical approach.

Keywords:Energy, Ukraine war, Russia, Iran, Interregional geoeconomy, Transit.



پیامدهای جنگ اوکراین (۲۰۲۲) بر موقعیت ژئواکونومیک میان منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران: مطالعه موردی انرژی و ترانزیت

سیدحسین میرفخرایی

دانشیار گروه روابط بین‌الملل دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران.

Email: ghazinoory@modares.ac.ir

چکیده

جنگ اوکراین برون‌داده‌ها و تبعات قابل توجهی را بر نظام بین‌الملل اعمال کرده است. ماهیت شدیداً اقتصادی جهان معاصر، تمرکز این پیامدها بر حوزه اقتصاد را بیشتر کرده است. با این حال در بررسی‌های تحلیلی، عموماً مناطق پیرامونی روسیه و به‌طور ویژه اروپا محور و مبنای تحلیل این برون‌داده‌ها بوده‌اند. چگونگی اثرگذاری این جنگ بر حوزه‌های دیگر کمتر مورد توجه قرار گرفته است. از این منظر و با توجه به موقعیت ژئواکونومیکی منحصر به فرد جمهوری اسلامی ایران در میان چند منطقه مهم شامل آسیای مرکزی، روسیه، جنوب آسیا، قفقاز جنوبی، عراق، شامات و حوزه خلیج‌فارس، در مقاله حاضر تلاش می‌شود تا چگونگی، سطح، جهت و عمق این اثرگذاری مورد بررسی قرار بگیرد. در این چهارچوب سؤال مقاله حاضر بر این امر استوار است که در حوزه انرژی و ترانزیت، جنگ اوکراین چه تأثیری بر موقعیت ژئواکونومیک میان‌منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران خواهد گذاشت؟ در پاسخ فرضیه پژوهش حاضر بر این امر استوار است که جنگ اوکراین می‌تواند در زمینه کریدورهای ترانزیتی، قابلیت‌های آلترناتیو برای صادرات نفت و ظرفیت‌های بالقوه گازی در شرایط جدید منجر به تقویت موقعیت ژئواکونومیک ایران شود. با این حال تحریم‌های آمریکا و عدم اولویت انرژی در روابط ایران و اروپا عوامل محدودکننده این اثرگذاری خواهند بود. مقاله حاضر با اتکا به روش تلفیقی کمی-کیفی مبتنی بر تحلیل محتوا و مفهوم‌سازی تئوریک ژئواکونومی و شبکه‌های میان‌منطقه‌ای و رویکرد توصیفی-تحلیلی در صدد پاسخ به سؤال اصلی و تأیید فرضیه است. در یافته‌های پژوهش با توجه به موقعیت ژئواکونومیکی منحصر به فرد جمهوری اسلامی ایران، پیامدهای تهاجم نظامی روسیه به اوکراین و تأثیرگذاری آن بر حوزه انرژی نه تنها با افزایش اولویت مسیرهای ترانزیتی قابل ارائه از سوی ایران مواجه هستیم؛ بلکه جنگ اوکراین همچنین پتانسیل تکمیل کریدور اقتصادی چین-آسیای مرکزی-غرب آسیا را با محوریت ایران افزایش داده و این موضوع می‌تواند فرایندهای مرتبط با توسعه زیرساخت‌ها و جذب سرمایه‌گذاری را تسریع نماید.

کلیدواژه‌ها: انرژی، جنگ اوکراین، روسیه، ایران، ژئواکونومی میان منطقه‌ای، ترانزیت.



مقدمه و بیان مسئله

جنگ‌ها همواره مهم‌ترین بسترهای تحولات ژئوپلیتیکی در جهان بوده‌اند. جنگ اوکراین نیز که با تهاجم نظامی روسیه آغاز شد از این امر مستثنا نیست. در این چهارچوب مهم‌ترین محور تحلیلی در موضوعات مرتبط با جنگ، چگونگی تثبیت نظم پس از جنگ و روندهای منتهی به آن است. در خصوص جنگ اوکراین نیز به جهت گستردگی پیامدهای آن تاکنون مباحث متعددی در این زمینه مطرح شده است. در طول مدت کمتر از ۶ ماه حجم انبوهی از سؤالات و تحلیل‌های روندی و فرایندی پیرامون این موضوع مطرح شده است. یکی از محورهای مهم ارائه شده در این حوزه، پیامدهای ژئواکونومیک جنگ اوکراین، با توجه به ماهیت اقتصادی جهان معاصر است. روسیه و اوکراین هر دو از بازیگران بسیار کلیدی در سطح اقتصاد جهانی بوده و درگیری آن‌ها در جنگ می‌تواند بر فرایندهای اقتصادی تمام مناطق پیرامونی و حتی سطح نظام بین‌الملل اثرگذار باشد. با این حال تفوق و غلبه تولیدات پژوهشی غربی در سطح بین‌الملل و نیز دخیل بودن مستقیم غرب با محوریت اروپا در این بحران، منجر به شکل‌گیری مباحث تحلیلی و پژوهشی با محوریت منافع اروپا شده است. در خصوص پیامدها و بروندهای جنگ اوکراین، موضوعاتی نظیر امنیت غذایی، نفت و گاز، تحریم و بازخوردهای رفتاری اقتصادی روسیه در سطح بین‌المللی به‌عنوان دغدغه‌های اروپایی محوریت مباحث پژوهشی را تشکیل داده است.

با این وجود نمی‌توان این نکته را نیز نادیده گرفت که بحران اوکراین بر سایر مناطق نیز در جهت‌های دیگر، به همان اندازه و بلکه بیشتر اثرگذار خواهد بود. این موضوعی است که در طول مدت پس از آغاز جنگ کمتر به آن توجه شده است. یکی از این مناطق جمهوری اسلامی ایران است. ایران به جهت مجاورت جغرافیایی در نزدیکی روسیه و نیز موقعیت منحصر به فرد ژئواکونومیک و نیز موضع خاص در قبال غرب، از قابلیت‌های تأثیرپذیری زیادی در این حوزه برخوردار است. ایران در این چهارچوب در موقعیت منحصر به فرد ژئواکونومیک میان منطقه‌ای قرار گرفته است. ارتباطات ایران با محیط پیرامونی موجب می‌شود تا هر نوع اثرپذیری از جنگ در اوکراین را در قالب برون‌دادهای ثانویه بر محیط‌های پیرامونی نیز تزیق کند. این موضوع اهمیت این تأثیرگذاری و تأثیرپذیری را مضاعف نموده است. حوزه‌های این اثرپذیری، جهت و عمق آن از جمله موضوعات تحلیلی کلیدی و عمده محسوب می‌شود. در مقاله حاضر تلاش می‌شود تا در یک رویکرد تحلیلی ابعاد، جهت‌ها و

عمق این اثرگذاری بر مبنای مفهوم‌سازی موقعیت ژئواکونومیک میان‌منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران تحلیل و ارزیابی شود. در عین حال باید توجه داشت که بر اساس برآوردهای اولیه جنگ در اوکراین می‌تواند بر دو حوزه بنیادین انرژی و ترانزیت در حوزه مؤلفه‌های ژئواکونومیکی تأثیرگذار باشد و از این منظر به جهت تمرکز مطالعاتی، انسجام درونی یافته‌های پژوهش و نیز سهولت تحلیل مؤلفه‌ها، سایر متغیرها مورد بررسی قرار نگرفته‌اند. پژوهش حاضر تلاش می‌کند تا با اتکا به استراتژی قیاسی و مبتنی بر روش ترکیبی و تلفیقی، بر اساس متدولوژی روابط بین‌الملل، یک توصیف، توضیح و تحلیل واقع‌گرایانه از ابهامات پژوهشی فوق‌الذکر را ارائه دهد.

۱. پیشینه پژوهش

در خصوص موضوع مقاله مورد نظر تاکنون آثاری چند به عرصه تحریر در آمده‌اند که با توجه به بازه زمانی در نظر گرفته شده در خصوص جنگ اوکراین محدودیت در منابع امری قابل پیش‌بینی بوده است. علی‌رضا سمیعی اصفهانی و سارا فرهنگد در مقاله خود (۱۴۰۱) با عنوان «جنگ روسیه و اوکراین؛ آینده نظم بین‌المللی» به لحاظ ژئوپلیتیکی مسائل جدید جهانی را مورد بررسی قرار می‌دهند. این مقاله با اتکا به روش آینده‌پژوهی، مهم‌ترین سناریوهای جنگ اوکراین و پیامدهای آن بر نظم جهانی را مورد بررسی قرار می‌دهد که در میان آن‌ها ائتلاف چین و روسیه برای مهار آمریکا، توافق صلح و تغییر ساختار نظام بین‌الملل، تداوم جنگ و استمرار تنش‌های بین‌المللی و وقوع جنگ هسته‌ای مورد بررسی قرار گرفته است. در این پژوهش جنگ اوکراین به‌عنوان نقطه عطف تغییر در نظم بین‌المللی در نظر گرفته شده و برخی تحولات در حوزه ژئواکونومی نیز در کنار برون‌دادهای ژئوپلیتیکی مورد بررسی قرار گرفته است.

وحید افراسیابان در مقاله خود (۱۴۰۱) با عنوان «سه‌گانه آمریکا، روسیه و اوکراین در ساختار نظام بین‌الملل سال ۲۰۲۲» نیز به‌طور ضمنی شرایط جدید جهانی را در سطح تحلیل کلان مورد مطالعه و ارزیابی قرار می‌دهد. ایده اصلی این مقاله تغییر ساختار نظام بین‌الملل از دو قطبی منعطف به سلسله‌مراتبی غیردستوری به رهبری آمریکا است. در این مقاله به‌طور عمده تمرکز نگارنده بر حوزه ژئوپلیتیکی بوده و به‌طور عمده بر تنش‌های مستقیم بین روسیه و آمریکا تأکید شده است. در این مقاله همچنین به‌طور ضمنی موضوعاتی نظیر ترانزیت، رژیم تحریم‌ها و خطوط

انتقال انرژی نیز مورد بحث و بررسی قرار گرفته و شرایط جدیدی را در نظم نوین بین‌المللی مبتنی بر این مؤلفه‌ها ترسیم می‌کند.

حمید صالحی و مرضیه السادات سجادی (۱۴۰۱) نیز در مقاله خود با عنوان «مواضع و راهبرد سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در بحران اوکراین» به بررسی مواضع جمهوری اسلامی ایران در جنگ اوکراین پرداخته‌اند. هم‌سویی راهبردی ایران و روسیه در بحران اوکراین فرضیه اصلی مقاله مذکور بوده و نگارنده به نحوی ایران و روسیه را متحدین راهبردی قلمداد می‌کند. در عین حال این مقاله به این نکته نیز اشاره می‌کند که در عین حمایت ایران از روسیه در جنگ اوکراین، منافع ملی حاصل از این جنگ ایران را به سمت بهره‌گیری از آترناتیوهای موجود هدایت کرده که مبتنی بر رویکردهای عمل‌گرایانه بوده است. در این زمینه برخی موضوعات ژئواکونومیک نیز مورد بررسی قرار گرفته‌اند.

گودرزی و دیگران (۱۴۰۰) در مقاله‌ای با عنوان «نقش ژئوپلیتیک و ژئواکونومیک ترانزیت انرژی (نفت و گاز) خلیج فارس در پیشبرد سیاست منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران»، تأثیر ترانزیت نفت و گاز خلیج فارس را بر پیشبرد سیاست منطقه‌ای ایران را بررسی کرده‌اند. آن‌ها معتقدند اتصال کریدور انرژی خلیج فارس به حوزه‌های مصرف، باعث پیوند سرنوشت امنیت انرژی و اقتصادی این کشورها به سرنوشت ایران، خلق شرکای راهبردی، ارتقای سطح جایگاه منطقه‌ای، افزایش ضریب توسعه اقتصادی و امنیت ملی ایران خواهد شد.

در میان منابع لاتین نیز می‌توان به مقاله جان سیوراک (۲۰۲۲) با عنوان «ژئواکونومی در جهان چندقطبی: قواعد مشارکت برای اقتصادهای باز کوچک» اشاره کرد که در آن نویسنده تلاش می‌کند برون‌دادهای اقتصادی را در جهان بر اساس شرایط پرتنش سال ۲۰۲۲ ارزیابی کند. نگارنده در این مقاله پایان نظم قدیم جهانی را مفروض گرفته و در نظم جدید مؤلفه ژئواکونومی را برای برخی بازیگران تحلیل و بررسی می‌کند. در خلال این ارزیابی‌ها تأثیرات این نقش‌های ژئواکونومیکی بر ثبات و امنیت بین‌المللی مورد بررسی قرار می‌گیرد.

دارمندرا کومار (۲۰۲۲) نیز در مقاله خود تحت عنوان «بحران روسیه- اوکراین و تحریم اقتصادی: سیاست قدرت از طریق ابزارهای ژئواکونومیک» به بررسی برون‌دادهای ژئواکونومیکی بحران اوکراین می‌پردازد. نگارنده محرک جنگ اوکراین را آنارژی در نظام بین‌الملل و تحرکات ناتو در اوکراین در نظر گرفته و پیامدهای بحران شکل گرفته در اوکراین را به‌طور عمده در عرصه ژئواکونومیک مورد بحث و

بررسی قرار می‌دهد. بحران انسانی، وضعیت انرژی و ترانزیت از جمله پیامدهای ژئواکونومیکی این جنگ در نظر گرفته شده است. در عین حال نگارنده بر این اعتقاد است که غرب با استفاده از اهرم‌های ژئواکونومیکی در صدد تضعیف اقتصاد روسیه بوده است و در عمل یک توازن ژئواکونومیکی در حال شکل‌گیری است. با این حال غلبه سیاست قدرت نقش و تأثیر ژئواکونومی را در این مقاله به سطح ابزاری تقلیل داده است.

طبق بررسی‌های صورت گرفته تاکنون هیچ منبعی تمرکز خود را بر موضوع این پژوهش قرار نداده است و در زمینه این پژوهش اثر مستقلی که به‌طور مشخص به بررسی پیامدهای جنگ اوکراین بر موقعیت ژئواکونومیک میان منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران پرداخته باشد، نگاشته نشده است. همچنین در آثار منتشر شده تاکنون مؤلفه ژئواکونومی به‌عنوان یک متغیر مستقل کمتر مورد بررسی قرار گرفته و عموماً به‌عنوان یک متغیر وابسته ارزیابی شده است. در عین حال پویایی‌های منطقه‌ای و ادغام سطوح تحلیل منطقه‌ای و بین‌المللی نیز کمتر در ادبیات منتشر شده مورد توجه پژوهشگران قرار گرفته است.

۲. ژئواکونومی، مناطق شبکه‌ای و شبکه‌های میان منطقه‌ای

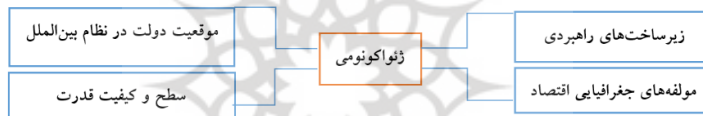
دانش ژئواکونومی یکی از حوزه‌هایی است پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی و در واقع پایان جنگ سرد به مرور در عرصه روابط بین‌الملل پدیدار شد. بخش زیادی از توسعه این حوزه مدیون آثار و نوشته‌های «ادوارد لوتواک»^۱ است. در این راستا یک رابطه دو طرفه بین قدرت دولت، اقتصاد و تجارت بین‌الملل در چهارچوب تاریخ مورد بررسی قرار گرفت که در آن کنترل مسیرهای تجاری، دسترسی به منابع طبیعی و غلبه بر بازارها فاکتورهای مهمی در روابط اقتصادی بین‌المللی به شمار می‌آمد. در بررسی‌های تاریخی انجام گرفته توسط شماری از اندیشمندان حوزه ژئوپلیتیک و روابط بین‌الملل پیرامون تکامل نظریات اقتصاد سیاسی و یا در تحولات مرتبط با جنگ جهانی اول و دوم و به‌ویژه راهبردهای ایالات متحده در قبال اتحاد جماهیر شوروی نظیر «ابتکار دفاع استراتژیک»^۲ به‌وضوح ابعاد اقتصادی اثرگذار بر حوزه روابط بین‌الملل مورد بررسی قرار گرفت. در نتیجه این تحقیقات بود که دانش ژئواکونومی تعریف شد. بر این اساس در یک

1. Edward Luttwak

2. Strategic Defence Initiative (SDI)

تعریف ساده، ژئواکونومی نشان‌دهنده تعاملات استراتژیک بین ساختارهای دولتی و بخش‌های مختلف اقتصادی با هدف ارتقای جایگاه قدرت در نظام بین‌المللی معاصر است (Csurgai, 2017:42-43). در این تعاریف به‌طور عمده تأکید بر حوزه تجارت و زیرساخت‌های راهبردی مرتبط با تجارت نظیر ترانزیت و انرژی و ارتباط آن‌ها با قدرت و جایگاه کشورها در نظام بین‌الملل است. در این چهارچوب با نظر داشت به تحولات جهان معاصر پس از پاندمی کرونا و نیز شکل‌گیری ابعاد تجاری گسترده در تنش میان قدرت‌های بزرگ نظیر تنش‌های ایالات‌متحده آمریکا با چین و روسیه، در تعریف ساده‌تر می‌توان ارتباطات سلبی و ایجابی زیرساخت‌های راهبردی تجاری و مؤلفه‌های جغرافیایی مؤثر بر اقتصاد را با سطح و کیفیت قدرت دولت‌ها و در نهایت جایگاه آن‌ها در ساختار نظام بین‌الملل را به‌عنوان عرصه تحلیلی و تبیینی ژئواکونومی در نظر گرفت.

شکل ۱: مفهوم‌سازی ژئواکونومی



منبع: نگارنده

موضوع قدرت در ساختار نظام بین‌الملل به‌طور مشخصی با برداشت‌های رئالیستی همراه است و نگاه‌های مبتنی بر ژئواکونومی نیز به‌طور محسوس ریشه در رویکردهای ژئوپلیتیکی و رئالیستی دارند. از این رو موضوع قدرت نظامی یک وجه مهم از مفهوم‌سازی ژئواکونومی محسوب می‌شود. در این راستا در برداشت‌های ژئواکونومیک، ابزارهای اقتصادی با وفاداری به رویکردهای رئالیستی جایگزین ابزارهای نظامی نمی‌شوند. ابزارها و اهرم‌های نظامی و اقتصادی به‌طور هم‌زمان روی میز دولت‌ها هستند و بسته به آن که کدام یک برای تحقق اهداف و مقابله با چالش‌ها کافی هستند، به کار می‌روند. در برخی رویکردها نیز تصریح می‌شود که در فضای پیچیده ژئواکونومی امروز با بازیگران متنوع، ابزارهای ژئواکونومیک و نظامی دولت‌ها معمولاً به صورت مشترک و هم‌زمان به کار می‌روند (Scholvin & Wigell, 2018:78). در همین حال باید اشاره داشت که در نگاه‌های لوتواک در دهه ۱۹۹۰

به‌عنوان یک استراتژیست نظامی و در واقع متعهد به این رشته، تعریف ژئواکونومی معادل بهره‌برداری ژئواستراتژیک از قدرت اقتصادی توسط دولت - ملت‌ها است (Vihma, 2017:4). در این تعریف به‌وضوح می‌توان ماهیت رئالیستی حاکم بر نظریات ژئواکونومی را دریافت.

با عبور از دهه ۱۹۹۰ و تثبیت شرایط نظام تک‌قطبی جدید با محوریت هژمونی ایالات‌متحده آمریکا و تفوق کاپیتالیسم غربی بر اقتصاد جهان، رویکردهای تئوریک به ژئواکونومی نیز تکامل یافت. در نظام جدید تجارت ماهیت استراتژیک یافت و اهمیت و جایگاه آن مدام بازتولید می‌شد. در جهان کاپیتالیستی جدید، جهان به شبکه‌ای از هاب‌ها و مناطق شبکه‌ای^۱ گسترده‌تری تبدیل شد که ارزش افزوده مازادی در آن شکل می‌گرفت که نقشی مؤثر در کنترل جریان پول، اطلاعات، استعدادها و رفتارهای انسانی داشتند (Moisio, 2018:27). این مناطق شبکه‌ای توسط این هاب‌ها به یکدیگر متصل شده و نوعی وابستگی متقابل را به وجود می‌آورند که در نهایت در درون مناطق ویژگی‌های همگرایانه‌تر، قابل پیش‌بینی‌تر و ماهیت اقتصادی تری می‌یافت. شکل‌گیری نظریات منطقه‌گرایی مبتنی بر آموزه‌های اقتصادی لیبرالی در طول دو دهه اخیر نیز به نوعی مرهون شکل‌گیری چنین وضعیتی است.

مفهوم دیگری که در سیر تکامل شبکه‌های منطقه‌ای در طول سال‌های اخیر مطرح شده است، شبکه‌های میان منطقه‌ای^۲ است. این شبکه‌ها به‌واسطه توسعه ارتباطات نظیر خطوط ریلی پرسرعت و فرودگاه‌ها به وجود آمده‌اند. این زیرساخت‌ها در حوزه حمل‌ونقل منجر به کاهش زمان ارتباطات شده و فرصت‌های تعاملات بین مناطق را افزایش داده است (Otsuka, 2021:1051-1052). چنین تعاملاتی منجر به بازتولید روند توسعه ارتباطات میان منطقه‌ای در قالب پروژه‌های بزرگ ترانزیتی و نیز انتقال انرژی شده که با سرمایه‌گذاری‌های قابل توجه در بلندمدت حائز منافع راهبردی خواهند شد. شکل‌گیری این شبکه‌ها همچنین تشکیل ائتلاف‌ها و مشارکت‌های راهبردی بین بازیگران مناطق مختلف را موجب می‌شود و تجارت بین مناطق و متعاقب آن همگرایی در حوزه‌های سیاسی و امنیتی را نیز موجب می‌شوند. در بلندمدت چشم‌انداز وضعیت ایدئال این شبکه‌های میان منطقه‌ای شکل‌گیری

1. Network regions

2. Inter-regional network

ابرمناطق^۱ است که وابستگی‌های متقابل در حوزه‌های مختلف را بین مناطق مجاور ایجاد می‌کند. ارتباط بین مناطقی نظیر روسیه، شرق اروپا، بالتیک، آسیای مرکزی و قفقاز در دوره اتحاد جماهیر شوروی و پس از آن در قالب ابرمنطقه «اوراسیا» یکی از نمونه‌های عینی این موضوع است. در اتحادیه اروپا نیز با تجمیع منافع مناطق مختلف نظیر غرب اروپا، حوزه اسکاندیناوی، بالتیک، بالکان و حتی بعدتر با اضافه شدن کشورهایی از قفقاز و جنوب غرب آسیا شاهد چنین روندی بوده‌ایم. این فرایند بدون حضور قدرت سیاسی واحد و حاکم نظیر اتحاد جماهیر شوروی، به‌واسطه توسعه پیوندهای ژئواکونومیک قابل استحصال است.

شکل ۲: سیر تکامل مفهوم همگرایی ژئواکونومیکی



منبع: نگارنده

۲-۱. موقعیت ژئواکونومیک میان‌منطقه‌ای ایران

ژئواکونومی به دلیل ماهیت جغرافیامحور، مرزهای بسیار نزدیکی با ژئوپلیتیک دارد. بر اساس نگاه اندیشمندان ژئواکونومی، قدرت و اقتدار ملی در زمان تجارت آزاد رشد می‌کند و برخلاف رویکردهای ژئوپلیتیک که رقابت میان دولت‌ها بیشتر برای سلطه بر نظم جهانی است، در آن کشورها تلاش بیشتری برای تبدیل شدن به یک گره‌گاه در نظام بین‌الملل دارند. همچنین در این رویکرد تمرکز سیاست‌ها بر رقابت و همکاری برای نفوذ اقتصادی است و بازیگران ایدئال در آن مشتریان، سرمایه‌گذاران و سایر بازیگران اقتصادی هستند. در ژئواکونومی همچنین نگاه‌های شبکه‌محور برای ایجاد ارتباطاتی مانند اینترنت و وب وجود دارد و تمرکز اصلی بر بی‌مرزی شبکه‌ها است. این وجهه نیز نقطه مقابل نگاه‌های ژئوپلیتیک با تمرکز بر مرزها، سرحدات و مکان‌ها است (MokhtariHashi, 2018:64). مبتنی بر این نگاه و با عنایت به موقعیت جغرافیایی و مؤلفه‌های سرزمینی جمهوری اسلامی ایران می‌توان به موقعیت ژئواکونومیک میان‌منطقه‌ای ایران دست یافت.

نخستین و مهم‌ترین ویژگی میان منطقه‌ای ایران به لحاظ جغرافیایی قرار گرفتن در یک چندراهی بین‌المللی بین چند منطقه است. در فضای پیرامونی ایران چند منطقه مختلف با ویژگی‌های منطقه‌ای متمایز قرار گرفته است که شامل جنوب آسیا، آسیای مرکزی، قفقاز، روسیه، شامات و حوزه کشورهای عربی حوزه خلیج فارس می‌شود. ایران به‌عنوان یک کشور پل نقش‌آفرینی کند. بر اساس رویکردهای دیگر نیز ایران در مرکز یک مثل استراتژیک شامل سه ضلع از جمله خزر، خلیج فارس و ایران قرار گرفته و به‌طور طبیعی می‌تواند نقش یک پل را ایفا کند (Minaei, 2005:14). نقطه قابل توجه دیگر آن که ایران نیز به‌طور متقابل سایر مناطق پیرامونی خود را به‌عنوان یک پل دسترسی به مناطق فراتر از حوزه پیرامونی می‌بیند. به‌عنوان یک نمونه به عقیده فریدمن ایران برنامه‌ای بزرگ‌تر دارد که در آن سوریه و عراق به‌عنوان یک پل زمینی دسترسی تهران را به سواحل دریای مدیترانه فراهم می‌آورند (Friedman, 2018:449). چنین نقشی موقعیت ویژه به‌خصوص در حوزه اقتصادی به ایران در ارتباطات میان منطقه‌ای ارائه می‌دهد.

یکی از برون‌دادهای جدی این موقعیت قرار گرفتن در بسیاری از طرح‌های ترانزیتی میان منطقه‌ای است. ایران در طرح‌های ترسیم‌شده در پروژه بزرگ «ابتکار کمربند و جاده» در بطن کریدورهای اصلی زمینی قرار دارد. علی‌رغم آن که به نظر می‌رسد علائق چین در حوزه ژئواکونومی عموماً در حوزه کشورهای عربی قرار دارد، توجهات بر ایران نیز به نظر می‌رسد در حال ارتقاء است. چین تاکنون با محوریت اقتصاد طرح‌های مبتکرانه‌ای را در قبال کشورهای منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا اجرا کرده که نقطه آغاز آن رویکرد سیاسی این کشور در قبال خیزش‌های عربی بوده است. کشورهای عربی بخشی ضروری از حلقه جهانی استراتژی دیپلماسی اقتصادی چین محسوب شده و بر اساس همین ضرورت کشورهای عربی هفتمین حوزه از مهم‌ترین شرکای اقتصادی چین را تشکیل داده‌اند (Sun & Zoubir, 2015:904). با این وجود روندهای اخیر نشان‌گر تمایلات فزاینده چین نسبت به ایران هم بوده است.

در چهارچوب تعاملات دوجانبه ایران و چین در سال ۲۰۱۶ نیز که یک پلتفرم ۶۰۰ میلیارد دلاری برای آن تعریف شده است، مشارکت ایران در این ابتکار در دهه بعدی فراهم آمده است. در سفرش جین پینگ به ایران نیز اعلام رضایت رهبری از مشارکت ایران در این ابتکار در چهارچوب برنامه استراتژیک ۲۵ ساله مورد اشاره قرار گرفته است (Solhdoost, 2021:65). مشارکت ایران در این طرح اتصال شرق آسیا،

آسیای مرکزی، خاورمیانه و اروپا را فراهم می‌آورد. ایران همچنین بخشی از پروژه بزرگ کریدور بین‌المللی شمال - جنوب است که اقیانوس هند را از طریق دریای عمان و قلمرو ایران به دریای خزر و سپس به شمال اروپا از طریق سن‌پترزبورگ در روسیه متصل می‌کند (Chatterjee, 2018:609). در چهارچوب این پروژه نیز جنوب آسیا، خاورمیانه، قفقاز، روسیه و اروپا از طریق ایران به یکدیگر متصل می‌شوند. ایران همچنین در بطن کریدورهای تعریف شده در قالب سازمان همکاری اقتصادی (اگو) است که ترکیه را از طریق ایران به پاکستان در جنوب آسیا و نیز آسیای مرکزی متصل می‌سازد.

دومین و درواقع شاید مهم‌ترین ویژگی در موقعیت ژئواکونومیک ایران برخورداری از منابع انرژی و قرار گرفتن در مرکز یک هاب بزرگ انرژی میان منطقه‌ای است. ایران با برخورداری از ذخایر استراتژیک نفت و گاز یکی از مهم‌ترین بازیگران عرصه انرژی در جهان محسوب می‌شود. در عین حال موقعیت ویژه دیگری که در این حوزه برای ایران تعریف شده است، قرار گرفتن در مرکز یک قطب بزرگ انرژی جهانی است. ایران در نقطه‌ای مستقر شده که در غرب، عراق و سوریه دارای منابع و ذخایر عظیم انرژی هستند و در جنوب نیز کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس نقشی غیرقابل جبران در عرصه جهانی انرژی ایفا می‌کنند. در شمال نیز در آسیای مرکزی، قفقاز و حوزه دریای خزر یکی از دیگر ذخایر بزرگ انرژی هیدروکربنی جهان قرار گرفته است. این ذخایر بر اساس آخرین برآوردها تا پایان سال ۲۰۲۰ شامل ۲۷۱۲ تریلیون متر مکعب ذخایر اثبات شده گاز و ۱۳۳ میلیارد تن نفت می‌شود. همچنین تولید روزانه گاز این مناطق جمعاً ۱۴۷۳ میلیارد متر مکعب در روز و تولید نفت آن‌ها نیز بیش از ۴۰ میلیون بشکه در روز می‌باشد (شرح داده‌ها در جدول ۱). چنین حجم عظیمی از ذخایر انرژی هیدروکربنی بدون محاسبه میعانات گازی، محصولات پالایشگاهی و پتروشیمی و سایر منابع وابسته در محیط پیرامونی جغرافیای کشور، به ایران جایگاهی حساس و تأثیرگذار بر مناسبات انرژی جهانی اعطا می‌کند. تنها به‌عنوان یک نمونه، ژئوپلیتیک انرژی در منطقه اوراسیا منجر به شکل‌گیری یک رقابت برای اثرگذاری بر منابع و انتقال انرژی آسیای مرکزی شده است که ایران نیز یکی از بازیگران اثرگذار در آن محسوب می‌شود. برخی پژوهشگران این رقابت‌های جدید را نوعی بازی بزرگ جدید نامیده‌اند (Pradhan, 2021:278). این نقش‌آفرینی برای ایران در محیط‌های دیگر پیرامونی هم

وجود دارد و موقعیت ژئواکونومیک خاصی در مناسبات انرژی میان منطقه‌ای برای تهران ارائه کرده است.

جدول ۱: منابع انرژی کشورهای پیرامونی ایران بر اساس برآوردهای پایان ۲۰۲۰ BP

نام کشور	ذخایر اثبات شده گاز (تریلیون متر مکعب)	ذخایر اثبات شده نفت (میلیون تن)	تولید گاز (میلیارد متر مکعب)	تولید نفت (هزار بشکه در روز)
ایران	۱۱۳۳	۲۱۷۰۰	۲۵۰.۸	۳۰۸۴
عراق	۱۲۴.۶	۱۹۶۰۰	۱۰.۵	۴۱۱۴
کویت	۵۹.۹	۱۴۰۰۰	۱۵	۲۶۸۶
عمان	۲۳.۵	۷۰۰	۳۶.۹	۹۵۱
قطر	۸۷۱.۱	۲۶۰۰	۱۷۱.۳	۱۸۰۹
عربستان سعودی	۲۱۲.۶	۴۰۹۰۰	۱۱۲.۱	۱۱۰۳۹
سوریه	۹.۵	۳۰۰	۳	۴۳
امارات متحده عربی	۲۰۹.۷	۱۳۰۰۰	۵۵.۴	۳۶۵۷
یمن	۹.۴	۴۰۰	۰.۱	۹۵
بحرین	۲.۳	-	۱۶.۴	-
آذربایجان	۲.۵	۱۰۰۰	۲۵.۸	۷۱۶
قزاقستان	۲.۳	۳۹۰۰	۳۱.۷	۱۸۱۱
روسیه	۳۷.۴	۱۴۸۰۰	۶۳۸.۵	۱۰۶۶۷
ترکمنستان	۱۳.۶	۱۰۰	۵۹	۲۱۶
ازبکستان	۰.۸	۱۰۰	۴۷.۱	۴۷
مجموع	۲۷۱۳.۲	۱۳۳۱۰۰	۱۴۷۳.۶	۴۰۹۳۵

(منبع داده‌ها: گزارش سالانه ۲۰۲۱ BP)

علاوه بر این ویژگی‌ها، برخورداری ایران از سطح قابل توجه پتانسیل‌های کشاورزی و ایفای نقش جدی در حوزه امنیت غذایی در سطح منطقه، دارا بودن یکی از گسترده‌ترین و پیشرفته‌ترین زیرساخت‌های صنعتی در منطقه خاورمیانه و نیز وجود سرریز سرمایه به واسطه توانمندی‌های قابل توجه در حوزه فروش حامل‌های انرژی و مواد پتروشیمی، جایگاه خاصی را در بین مناطق پیرامونی یافته است. در عین حال باید رشد اقتصادی در شرایط تحریم را نیز که منجر به شکل‌گیری یک موقعیت ژئواکونومیک درون‌زا در ایران شده است را نیز به سایر

ویژگی‌های ژئواکونومیکی ایران اضافه کرد. این ویژگی تاب‌آوری اقتصادی را برای ایران در مقابل نوسانات و فشارهای مختلف ارتقا داده است.

۳. پیامدهای ژئواکونومیک جنگ اوکراین

حمله نظامی روسیه به اوکراین و جدایی مناطق روس‌نشین در این کشور شامل ایالت‌های دونتسک و لووانسک اگرچه یک مقوله ژئوپلیتیکی، امنیتی و با ماهیت سیاسی-نژادی به نظر می‌رسید، اما پیامدهای ژئواکونومیک عمیقی نه تنها در سطح منطقه اوراسیا بلکه در سطح بین‌المللی بر جای گذارد. این تأثیرات و پیامدها در چند سطح اساسی به‌عنوان مؤلفه‌های ژئواکونومیک قابل ارزیابی است:

۱. اقتصاد و تجارت بین‌الملل: بر اساس برآوردهای اولیه صورت گرفته مبتنی بر یک مدل اکونومتریک جهانی^۱ موسوم به «NiGEM» جنگ در اوکراین می‌تواند تا یک درصد موجب کاهش تولید ناخالص ملی جهانی تا سال ۲۰۲۳ شود که این میزان معادل یک تریلیون دلار ارزیابی می‌شود. همچنین طبق این برآوردها این جنگ می‌تواند منجر به افزایش تورم در سطح جهان تا ۳ درصد در سال ۲۰۲۲ و تا ۲ درصد در سال ۲۰۲۳ شود (Liadze et al, 2022:1-2).

این موضوع به‌عنوان یک پدیده ژئواکونومیک می‌تواند مستقیماً بر روندهای تجارت جهانی و مسائل مبتنی بر اقتصاد کشورها تأثیرگذار باشد. در عین حال نباید از یاد برد که این جنگ سطح پولاریزاسیون در ساختار نظام بین‌الملل را به شکل محسوسی افزایش داده و همین امر نیز به کاهش جذابیت مناسبات سیاسی در پرتو مسائل سیاسی و امنیتی منجر شده است. این موضوع پیامدها و بروندادهای دیگری نیز در حوزه ژئواکونومی بازتولید کرده است؛

۲. رژیم تحریم‌های بین‌المللی: تحریم نمودارترین و آشکارترین پدیده‌ای است که پس از جنگ اوکراین پدیدار گشته است. موضوع تحریم علیه روسیه با موضوع اوکراین نخستین بار در سال ۲۰۱۴ و پس از الحاق کریمه آغاز شد. از سال ۲۰۱۴ تا ۲۰۱۵ در بازه‌ای کوتاه ۶ مرحله تحریم توسط ایالات متحده آمریکا و اتحادیه اروپا با مشارکت این دو بازیگر و همراهی کانادا، ژاپن و نیوزلند علیه روسیه اعمال شد. نخستین دور تحریم‌ها صرفاً اشخاص و نهادهای خاص روسیه را از طریق مسدودکردن دارایی‌های آن‌ها هدف قرار داد. این تحریم‌ها در همین بازه به مرور

1. Global Econometric Model (NiGEM)

پیچیده‌تر شد و واکنش روسیه نسبت به این موضوع افزایش قیمت گاز صادراتی به اوکراین بود (Wang, 2015:2-3).

با این حال پس از آغاز دور جدید مناقشات با تهاجم نظامی روسیه در سال ۲۰۲۲، این تحریم‌ها به‌طور تصاعدی در بازه‌ای کوتاه تشدید شد و به مرور به شدیدترین تحریم‌های تاریخ جهان به جهت وسعت و دامنه تأثیرات تبدیل شد. محدودیت‌های جدید علاوه بر تحریم اشخاص و نهادهای مالی رسمی و دولتی روسیه، امکانات مالی بین‌المللی نظیر دریافت وام از بازارهای جهانی را نیز محدود کرد و حتی به حذف روسیه از سیستم سوئیفت^۱ منجر شد. در این بازه برخی پیامدهای تحریمی دیگر نظیر توقف فعالیت احداث خط لوله «نورد استریم ۲»^۲ نیز توسط آلمان انجام گرفت. این موضوع علاوه آن که شرایط سختی را برای اقتصاد روسیه به وجود آورد، پیامدهای قابل توجهی را نیز بر اقتصاد جهانی تحمیل کرد. روسیه با تولید حدود ۴۰ درصد از بازار پالادیوم، ۶ درصد از آلومینیوم، ۱۰ درصد از پلاتینیوم، ۲۱ درصد الماس و بسیاری از دیگر محصولات معدنی، تأثیری عمیق بر بازارهای این محصولات خواهد گذاشت.

روسیه همچنین به‌عنوان سومین تولیدکننده بزرگ نفت در جهان و بزرگ‌ترین تأمین‌کننده گاز اروپا نیز مطرح است (Alavi, 2022:1315-1318). تحریم چنین وضعیتی می‌تواند هزینه‌های بسیاری را نه‌تنها برای روسیه، بلکه برای سایر کشورهای تحریم‌کننده نیز در برداشته باشد؛

۳. التهاب در بازار بین‌المللی انرژی: یکی از نخستین پیامدهای جنگ در اوکراین افزایش قیمت نفت و گاز بود. در حالی که پیش از جنگ قیمت نفت هر بشکه بین ۸۰ تا ۹۰ دلار بود، پس از آغاز حمله نظامی روسیه به اوکراین این قیمت به بیش از ۱۰۰ دلار رسید.

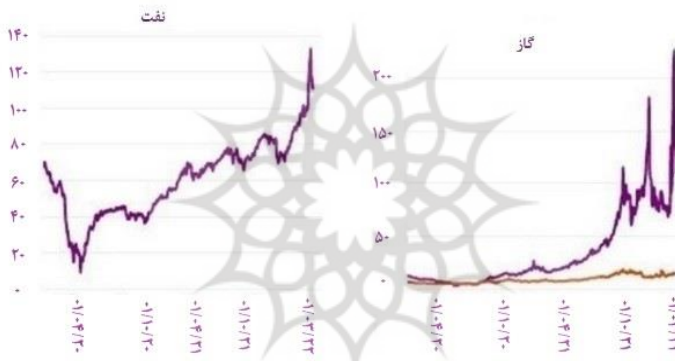
در عین حال روسیه که سومین تولیدکننده نفت جهان و اصلی‌ترین تأمین‌کننده نفت برای پالایشگاه‌های اروپا بود، با تحریم و محدودیت‌های دیگر مواجه شده بود. روسیه همچنین بزرگ‌ترین تأمین‌کننده گاز اروپا محسوب می‌شد که دو پنجم از سهم گاز اروپا را به‌تنهایی تأمین می‌کرد. این موقعیت سبب شد تا در نتیجه تحریم و عدم قطعیت ناشی از حضور روسیه در بازار بین‌المللی انرژی، قیمت نفت به بیش از ۱۴۰ دلار برسد (Ozili, 2022:11).

1. The Society for Worldwide Interbank Financial Telecommunication (SWIFT)
2. Nord Stream 2

این موضوع به‌ویژه برای اروپا که شدیداً به گاز وارداتی از روسیه وابسته است، پرهزینه بود. قیمت گاز در اروپا پس از جنگ اوکراین و در سایه تنش با روسیه بیش از ۱۰ برابر افزایش یافت (Orhan, 2022:143-144). این موضوع به‌ویژه در سایه افزایش اختلافات، تأثیرگذاری بر حوزه‌های راهبردی و نیز به قدرت رسیدن جناح‌های راست افراطی در اروپا می‌تواند بر آینده اقتصاد اروپایی نیز تأثیرگذار باشد.

البته برخی نگاه‌ها حتی پیش از آغاز جنگ اخیر و پس از الحاق کریمه بر این عقیده بودند که این موضوع در بلندمدت می‌تواند با ایجاد آلترناتیوهای همچون اوکراین، منابع جدیدی را برای اروپا در حوزه انرژی فراهم آورد (Johannesson & Clowes, 2020:9).

نمودار ۱: افزایش قیمت نفت و گاز در اروپا از آوریل ۲۰۲۰ تا مارس ۲۰۲۲



(Orhan, 2022:144)

۴. ترانزیت و حمل‌ونقل بین‌المللی: ترانزیت حوزه دیگری است که به‌طور مستقیم و غیرمستقیم از جنگ اوکراین متأثر شده است. در پکیج‌های تحریمی اتحادیه اروپا نسخه‌های زیادی شامل تحریم‌های ترانزیتی می‌شد. شرکت‌های هواپیمایی روسی برای خرید تجهیزات و قطعات و هواپیما تحریم شده و حتی کشتی‌های با پرچم روسیه از پهلو گرفتن در بنادر اتحادیه اروپا منع شدند. تحریم‌های اتحادیه اروپا به‌طور کلی با تکامل در مدتی کوتاه به چهار حوزه اصلی توسعه یافتند که شامل بستن حریم هوایی برای عبور هواپیماهای روسیه، بستن بنادر و آبراه‌ها، ممنوعیت فعالیت شرکت‌های حمل‌ونقل جاده‌ای روسیه و حتی

ممنوعیت استفاده از تجهیزات، تکنولوژی و کالاهای روسی در سه حوزه دریایی، هوایی و فضایی می‌شد. در پاسخ به این تصمیم اتحادیه اروپا، روسیه و بلاروس نیز در تصمیمی عبور محموله‌های ترانزیتی ثبت شده در اتحادیه اروپا را از عبور از قلمرو اتحادیه اقتصادی اوراسیا منع کردند و این اقدامات و تصمیمات نیز به‌طور مشابه گسترش یافت (Kiss, 2022:2-4).

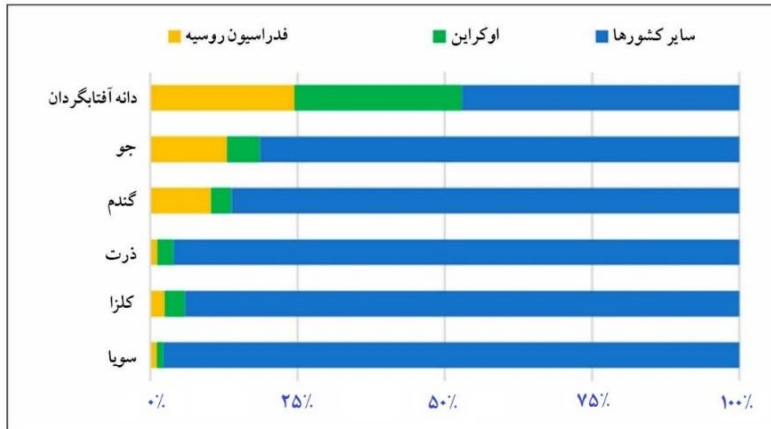
این تنش‌ها تأثیرات عمیقی را بر حمل‌ونقل بین‌المللی گذارد. حتی برخی پروژه‌های بزرگ بین‌المللی نظیر ابتکار کمربند و جاده نیز که به اوکراین به‌عنوان «دروازه اروپا» می‌نگریست پس از جنگ با چالش‌های زیادی همراه شده‌اند (Mendez, Forcadell & Horiachko, 2022:488-489). این موضوع به‌عنوان یک پدیده ژئواکونومیکی تلاش کشورها برای یافتن مسیرهای آلترناتیو را در برداشته است.

۵. امنیت غذایی: اوکراین و روسیه هر دو کشور از جمله بزرگ‌ترین تولیدکنندگان محصولات غذایی در جهان محسوب می‌شوند. در سال ۲۰۲۰ این دو کشور ۷۲/۷ درصد از بازار روغن آفتابگردان و دانه آن و نیز ۳۴/۱ درصد از تجارت جهانی گندم را به خود تخصیص داده‌اند.

در برآوردهای دیگر نیز حدود ۱۲ درصد از کل تجارت کالری جهان توسط روسیه و اوکراین صادر شده است (Ben Hasssan & El Bilali, 2022:7-8). در چنین شرایطی وقوع جنگ شرایط صادرات این محصولات را با مشکلات عدیده‌ای مواجه کرد. روسیه از یک‌سو با مشکل تحریم مواجه شد و اوکراین نیز با درگیری در جنگ و از دست دادن بخشی از زیرساخت‌های راهبردی ترانزیت خود، در کنار فشار روسیه در محاصره دریایی این کشور، با محدودیت‌های زیادی در این حوزه مواجه شد. چنین وضعیتی در وهله نخست منجر به محافظه‌کاری سایر تولیدکنندگان و صادرکنندگان این محصولات و کاهش عرضه در کنار تقاضای بالا در سطح جهانی شد و در وهله دوم افزایش قیمت را در این محصولات در برداشت.

این موضوع به‌عنوان یک حوزه استراتژیک اقتصادی بر مناسبات بین‌المللی اثرگذار بود و آن را به یک فاکتور ژئواکونومیک مؤثر تبدیل کرد.

نمودار ۲: سهم اوکراین و روسیه در صادرات محصولات استراتژیک غذایی بر اساس داده‌های فائو



(Ben Hassann & El Bilali, 2022:8)

۴. پیامدها بر جایگاه ژئواکونومیک میان منطقه‌ای ایران

برون داده‌های ژئواکونومیکی جنگ در اوکراین به انحای مختلفی بر موقعیت ژئواکونومیکی جمهوری اسلامی ایران تأثیرگذار است. این تأثیرات و پیامدها در دو حوزه انرژی و ترانزیت بیش از سایر حوزه‌ها تأثیرگذارند. در بسیاری از دسته‌بندی‌های صورت گرفته توسط پژوهشگران بین‌المللی، پیامدهای اقتصادی و تجارت جهانی نتیجه‌ای از افزایش قیمت انرژی و حمل‌ونقل و نیز در حوزه امنیت غذایی، به‌طور ویژه نتیجه‌ای از مشکلات و محدودیت‌های ترانسپورت ارزیابی شده است. از این منظر، به‌منظور بررسی پیامدها بر جایگاه ژئواکونومیک میان منطقه‌ای ایران، می‌توان با بررسی مصادیق و محورها، بر همین دو مؤلفه متمرکز بود.

در حوزه ترانزیت یکی از مهم‌ترین پیامدهای کوتاه‌مدت جنگ، بسته شدن مسیر دسترسی اوکراین است. در این چهارچوب کشورهای شرقی برای دسترسی به اروپا ناگزیر از انتخاب بلاروس و یا کشورهای بالتیک در شمال و یا رومانی، بلغارستان و ترکیه در جنوب هستند. با این حال مشکل جدی‌تری که به‌عنوان پیامد ثانویه جنگ به وجود آمده است، تحریم روسیه و زیرساخت‌های حمل‌ونقل این کشور است. همان‌طور که پیش‌تر اشاره شد، اتحادیه اروپا تحریم‌های گسترده‌ای را علیه کشتی‌ها و شرکت‌های کشتی‌رانی و حتی زیرساخت‌های ترانسپورت جاده‌ای این کشور اعمال کرده‌اند. این موضوع امکان استفاده از بنادر، کشتی‌ها و زیرساخت‌های حمل‌ونقل روسیه برای بسیاری از کشورها را غیرممکن کرده است. به‌عنوان یک نمونه

کشورهای آسیای مرکزی برای دسترسی به آب‌های آزاد و بازارهای جهانی ۸ کریدور را پیش‌رو دارند که در جدول ۲ نشان داده شده است. همان‌طور که در جدول قابل مشاهده است، چهار کریدور به‌طور کامل از روسیه می‌گذرد و سه کریدور نیز اساساً امکان دسترسی به اروپا را به آن‌ها نمی‌دهد. بر این اساس، مسیر ایران یکی از دو کانال جدی برای دسترسی این کشورها به بازارهای اروپا محسوب می‌شود. همچنین کریدور دسترسی ایران، ترکیه و اروپا نیز به‌عنوان یکی از کریدورهای جدی کشورهای آسیای مرکزی قابل ارائه است.

این امر می‌تواند به‌واسطه استفاده از طرح‌های ترانزیتی نظیر کریدور ریلی شرق خزر (کریدور ریلی قزاقستان- ترکمنستان- ایران)، کریدور دریایی ایران- قزاقستان (اتصال بندر آکتائو و کاسپین یا امیرآباد) و همچنین کریدورهای ریلی و جاده‌ای دیگر امکان‌پذیر شود. این موضوع با توجه به آن که بخش قابل توجهی از تجارت خارجی کشورهای آسیای مرکزی با اروپا انجام می‌گیرد، برای آن‌ها حائز اهمیت است. شرایط کنونی همچنین یک فرصت تاریخی برای کاهش وابستگی ژئواکونومیک این کشورها به روسیه را نیز فراهم می‌آورد. تراسیکا اصلی‌ترین رقیب ایران در این مسیرهای دسترسی است.

جدول ۲: کریدورهای اصلی ترانزیت آسیای مرکزی

کریدور ۱	حمل و نقل از مسیر قزاقستان و روسیه به بندر حوزه بالتیک شامل تالین (استونی)، کلایپدا (لیتوانی)، ریگا، لیباجا و ونتزیلز (لتونی)
کریدور ۲	حمل و نقل از مسیر قزاقستان، روسیه، اوکراین یا بلاروس به کشورهای اروپایی با عبور از مرزهای برست (بلاروس) یا چاپ (اوکراین)
کریدور ۳	ترانزیت از مسیر قزاقستان، روسیه و اوکراین به بندر ایلیجوسک (اوکراین) در دریای سیاه
کریدور ۴	تراسیکا؛ ترانزیت از مسیر ترکمنستان، قزاقستان، و آذربایجان به بندر دریای سیاه
کریدور ۵	عبور از مسیر ترکمنستان و ایران به بندر عباس در خلیج فارس
کریدور ۶	ترانزیت از مسیر قزاقستان، چین و روسیه از مرز دوستیک/آلاشانکو، به بندر شرق چین و یا شرق دور روسیه شامل ناخودکا، ولادی وستوک و سایر.
کریدور ۷	ترانزیت از مسیر قرقیزستان و چین به بندر این کشور در دریاچه‌های زرد، چین شرقی و چین جنوبی
کریدور ۸	ترانزیت از مسیر ایران و افغانستان به بندر چابهار، بندرعباس و بندر پاکستان شامل کراچی و گوادر

(Khasanov, 2022:26)

در همین حال ابتکار کمربند و جاده نیز با وقوع جنگ اوکراین با مشکلات جدی مواجه شده است. این موضوع پیش از آغاز جنگ اخیر و پس از آغاز تنش‌های روسیه و اوکراین پیرامون شبه جزیره کریمه نیز مطرح شده بود. در آن دوره کریمه به دلیل قرار گرفتن در مسیر طرح یک کمربند یک جاده به دلیل تنش‌های روسیه و اوکراین با چالش‌هایی جدی مواجه شده بود (Noorali & Ahmadi, 2022:18).

با این حال اکنون تمام قلمرو اوکراین و به‌طور ویژه برخی مناطق شرق علاوه بر کریمه در چنین وضعیتی قرار گرفته است. هم‌زمانی این واقعه با شدت گرفتن تنش‌های چین و غرب پیرامون تایوان، ابهامات بیشتری را پیش‌روی ابتکار کمربند و جاده قرار داده است. این موضوع می‌تواند منجر به فعال شدن ظرفیت‌های دیگری از این ابتکار شود. یکی از این ظرفیت‌ها، فعال‌سازی کریدور جنوبی دریای خزر با محوریت ایران است.

این کریدور پیش‌تر در نقشه‌های رسمی این کریدور با عنوان کریدور اقتصادی چین- آسیای مرکزی- غرب آسیا^۱ در چهارچوب این ابتکار مطرح شده بود که اکنون به‌عنوان آلترناتیو جدی کریدور پل زمینی اوراسیایی^۲ قابلیت فعال‌سازی دارد. موقعیت این دو کریدور در نقشه ۱ نشان داده شده است.

این امر می‌تواند در میان‌مدت زمینه‌ساز افزایش سرمایه‌گذاری چین در حوزه زیرساخت‌های راهبردی ترانزیتی ایران را به‌عنوان بخشی از مشارکت در چهارچوب کمربند و جاده تسریع کند. پیش‌تر نیز در سال ۲۰۱۶ در یک پلتفرم ۶۰۰ میلیارد دلاری در چهارچوب مشارکت راهبردی ۲۵ ساله ایران و چین چنین طرحی برنامه‌ریزی شده بود (Solhdoost, 2021:65)، اما شرایط جدید در اوکراین می‌تواند این فرایند را تسریع کند. در عین حال دیگر کریدورهای مبتنی بر ایران نظیر کریدور ربلی شرق خزر نیز قابلیت تعریف در چهارچوب این طرح را خواهند داشت.

ایران در چهارچوب این ابتکار می‌تواند همچنین نقشی ویژه در انتقال غلات و سایر منابع استراتژیک آسیای مرکزی ایفا نماید.

1. China-Central Asia-West Asia Economic Corridor (CCWAEC)
2. New Eurasian Land Bridge Economic Corridor (NELBEC)

نقشه ۱: موقعیت کریدورهای اقتصادی ابتکار کمربند و جاده



(منبع: هفته‌نامه تجارت فردا)

در حوزه انرژی، یکی از مهم‌ترین فرصت‌های برای احیای ژئواکونومی ایران ارائه یک آلترناتیو برای پر شدن خلأ ناشی از تحریم نفت روسیه است. پس از آغاز جنگ، غرب تحریم‌های سنگینی را علیه صادرات نفت روسیه صادر کرد. این موضوع منجر به تهدید تولید روزانه ۱۰ میلیون بشکه‌ای نفت روسیه در بازارهای جهانی شد که افزایش قیمت نفت خام را در پی داشت. این موضوع کشورهای اروپایی را به سمت افزایش ظرفیت نفت ۱۰ میلیون بشکه‌ای اوپک سوق داد. بر اساس برآوردهای صورت گرفته، افزایش تولید اوپک به میزان کافی می‌تواند تثبیت قیمت نفت در ۱۰۲ دلار به ازای هر بشکه را تضمین کند (Onour & Abdo, 2022:69).

با این حال مدت کوتاهی پس از طرح این استراتژی مشخص شد که اوپک ظرفیت محدودی برای این افزایش ظرفیت دارد (<https://www.cnbc.com>). طبیعتاً اضافه شدن ظرفیت نفت ایران در بازارهای جهانی گامی است که یک جهش در ارتقاء ظرفیت‌های اوپک محسوب می‌شود. با این حال ملاحظات سیاسی در چهارچوب مشارکت راهبردی ایران و روسیه ممکن است این ظرفیت را به تدریج و به صورت محدود آزاد کند. در عین حال باید توجه داشت که افزایش درآمدهای صادراتی ناشی از افزایش محسوس قیمت نفت نیز به خودی خود منجر به افزایش جایگاه و موقعیت ژئواکونومیک میان‌منطقه‌ای ایران شده است.

موضوع دیگری که در ارتباط با حوزه انرژی می‌تواند افزایش ظرفیت‌های ژئواکونومیکی میان‌منطقه‌ای ایران را فراهم آورد، انتقال انرژی است. بخش عمده نفت قزاقستان از مسیر روسیه به دریای سیاه رسیده و از بنادر روسی در این منطقه

به سایر نقاط جهان صادر می‌شود. با این حال با آغاز جنگ و شدت گرفتن تنش‌های نفتی بین روسیه و اروپا، روسیه برای صادرات نفت قزاقستان به غرب موانعی ایجاد کرده است. از ابتدای جنگ تا سپتامبر ۲۰۲۲ روسیه ۴ مرحله فعالیت خط لوله انتقال نفت قزاقستان به دریای سیاه موسوم به کنسرسیوم خط لوله کاسپین^۱ را متوقف کرده است (Kumenov, 2022). این موضوع ضریب ریسک صادرات نفت قزاقستان را افزایش داده و این کشور را به سمت جایگزینی آلترناتیوهای راهبردی در میان مدت سوق داده است. صادرات نفت از طریق آذربایجان (از طریق خط لوله باکو-تفلیس-جیحان) یکی از آلترناتیوهای اصلی قزاقستان برای صادرات بخشی از ۱/۷ میلیون بشکه صادرات روزانه این کشور است. در عین حال دومین مسیر انتقال نفت از طریق ایران است. این موضوع با توجه به وجود زیرساخت‌های سوآپ نفت در گذشته در بنادر شمالی ایران، قابل تحقق است. در همین حال قزاقستان در زمینه صادرات زغال سنگ نیز ظرفیت‌های عظیمی دارد که آن نیز با توجه به دسترسی مستقیم ریلی به ایران قابلیت صادرات از مسیر جنوبی را ارائه می‌دهد.

حوزه گاز دیگر فاکتور ژئواکونومیک تأثیرگذار بر موقعیت میان‌منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران است. پس از آغاز جنگ اوکراین، اصلی‌ترین پاشنه آشیل کشورهای اروپایی در مقابل کاهش صادرات گاز روسیه بوده است. این موضوع کشورهای اروپایی را به سمت جایگزینی منابع تأمین گاز سوق داده است. ایران نیز یکی از ظرفیت‌های بالقوه برای پر کردن بخشی از این خلأ است. گاز ایران از مسیر ترکیه قابلیت صادرات به اروپا را دارد. با این حال در بازه کنونی به دلیل برابری تراز تولید و مصرف گاز در ایران، ظرفیت مشخصی برای صادرات گاز وجود ندارد. بر اساس گزارش سال ۲۰۲۱ بریتیش پترولیوم، ایران تا پایان سال ۲۰۲۰ در مجموع ۲۵۰ میلیارد مترمکعب گاز تولید کرده و در همین سال ۲۳۳/۱ میلیارد مترمکعب نیز گاز مصرف کرده است (BP, 2021:30-37).

این به معنای آن است که در این سال تنها ۱۷ میلیارد مترمکعب ظرفیت صادرات گاز ایران وجود داشته است که با توجه به بازارهای صادرات پیرامونی، پتانسیلی برای صادرات به اروپا باقی نمی‌گذارد. با این حال این موضوع در میان مدت و بلندمدت می‌تواند ظرفیت‌های زیادی را برای جذب سرمایه‌گذاری خارجی و افزایش ظرفیت تولید برای ایجاد بسترهای صادرات گاز به اروپا فراهم آورد. در عین

حال با بهینه‌سازی ساختارهای داخلی جهت کاهش مصرف نیز به‌واسطه واردات تکنولوژی و جذب سرمایه در حوزه‌های دیگر، می‌توان بخش دیگری از ظرفیت‌های ناشی از کاهش مصرف داخلی را فعال نمود. بدین ترتیب ایران می‌تواند به‌عنوان یک منبع گاز برای اروپا در میان‌مدت مطرح شود. همچنین ظرفیت‌هایی نیز در حوزه صادرات گاز مایع از مسیرهای دریایی وجود دارد. این موضوع همچنین می‌تواند کاتالیزوری برای گفت‌وگوهای ایران و اروپا جهت احیاء توافق هسته‌ای و لغو بخشی از تحریم‌ها باشد.

مسئله دیگر نورد استریم شبکه‌ای از خطوط لوله گاز طبیعی دریایی است که از زیر دریای بالتیک از روسیه به آلمان می‌رود تا گاز طبیعی اروپای غربی را تأمین کند. روسیه در ژوئن ۲۰۲۲ عرضه گاز از طریق نورد استریم را کاهش داد. در ۲۶ سپتامبر ۲۰۲۲، پس از بمباران مخفیانه و نشت گاز زیر آب در خطوط لوله گاز طبیعی نورد استریم ۱ و نورد استریم ۲، سه خط از چهار خط این لوله گاز را غیرفعال کرد و پروژه نورد استریم را به بن‌بست رساند.

در این میان بررسی روابط ایران و اروپا نشان می‌دهد که طی سال‌های اخیر اهمیت و نقش انرژی در روابط ایران و اروپا نیز کاهش یافته است و این موضوع یک چالش جدی پیش‌روی این امر محسوب می‌شود. پیش از این پس از وقفه‌های سال ۲۰۰۶ و سپس ۲۰۰۹ روسیه در تأمین گاز اروپا، ایران در صورت افزایش ظرفیت به‌عنوان یکی از آلترناتیوها برای تقلیل اهرم‌های گازی روسیه تلقی می‌شد (Tabagari, 2018:5). با این وجود پس از توسعه مناسبات تهران و مسکو در چهارچوب جنگ سوریه و سپس اوکراین، این نگاه به مرور تضعیف شد. همچنین محدودیت‌های ایران در تولید و تأمین گاز طبیعی حتی برای نیازهای داخلی نیز این موضوع را کمرنگ‌تر کرده است. در طول سال‌های اخیر عدم موفقیت ایران و اروپا برای حفظ توافق هسته‌ای خارج از دایره تأثیرگذاری تحریم‌های یک‌جانبه آمریکا شرایط را برای بازگشت به عرصه‌های مشترک در حوزه انرژی دشوار کرده است. با این وجود تحریم‌های آمریکا را نیز به‌عنوان دیگر عامل محدودکننده در این فرایندها باید در نظر گرفت. همان‌طور که پیش از این نیز اشاره شد، این تحریم‌ها پیش‌تر مانعی برای تحقق مشارکت راهبردی ایران و اروپا در دوره پسابرجام بوده و مادامی که بخش‌های اقتصادی و سیاسی هژمونی آمریکا در نظام بین‌الملل باقی باشد، به نظر می‌رسد این نقش محدودکننده نیز اثرگذاری قابل توجهی داشته باشد.

۵. زمینه‌های گذار به شبکه میان منطقه‌ای جدید

جنگ اوکراین به طرق مختلف نگاه اوراسیا به شکل دهی به شبکه‌های پیوندی جدید با مناطق پیرامونی را تقویت کرده است. در نتیجه محدودیت‌های ناشی از تنش روسیه و غرب، مناطق مختلف شبکه میان منطقه‌ای اوراسیا شامل آسیای مرکزی و قفقاز به سمت ایجاد ظرفیت‌های جدید ژئواکونومیکی و نیز خروج از محدودیت‌های ژئوپلیتیکی روسیه حرکت کرده‌اند. دسترسی به جنوب یکی از راهبردهای تاریخی و البته ژئواکونومیکی این کشورهاست. این دسترسی از سه مسیر موازی امکان‌پذیر است. نخست، مسیر دسترسی از آسیای جنوبی از طریق افغانستان و پاکستان تا اقیانوس هند که در قالب یک ارتباط ژئواکونومیک میان منطقه‌ای موسوم به کریدور ترانس افغان در حال اجرا است. دومین مسیر ارتباط قفقاز با ترکیه و ایجاد یک مسیر مستقیم به آب‌های آزاد در دریای مدیترانه و به‌طور ویژه اروپا است. تلاش‌هایی نیز از سوی ترکیه و جمهوری آذربایجان برای راه‌اندازی کریدور زنگه‌زور جهت تکمیل این پازل و نیز ارائه یک آلترناتیو برای این دسترسی به کشورهای آسیای مرکزی صورت گرفته است. با این حال سومین و کلیدی‌ترین مسیر با قابلیت‌های چندوجهی، ارتباط از مسیر ایران است. ارتباط با ایران از سه مسیر زمینی و دریایی، در آسیای مرکزی، خزر و قفقاز امکان‌پذیر است. ایران همچنین ارتباط با آب‌های آزاد جهانی را از طریق دریای عمان و اقیانوس هند از یک‌سو و ارتباط با اروپا از مسیر ترکیه را از سوی دیگر می‌تواند فراهم آورد.

این ملاحظات در چهارچوب پروژه‌های مختلف و ایجاد ظرفیت‌های ژئواکونومیکی در قالب طرح‌های فروش انرژی، انتقال انرژی، کریدورهای ریلی و جاده‌ای و نیز توافقات تجاری نظیر موافقت‌نامه‌های تجارت ترجیحی و یا اتحادیه‌های گمرکی قابل تحقق است. این امر می‌تواند در میان‌مدت پیوندهای شبکه مناطق اوراسیا شامل آسیای مرکزی، قفقاز و حتی خود روسیه را با جنوب غرب آسیا با محوریت ایران توسعه دهد. در صورت تثبیت فرایندهای کنونی، نتیجه‌بخشی این فرایندها در قالب وابستگی‌های متقابل ژئواکونومیکی و پیوست مؤلفه‌های سیاسی و امنیتی به آن‌ها، می‌تواند در میان‌مدت شکل‌گیری یک شبکه میان منطقه‌ای جدید و بزرگ‌تر را با محوریت اوراسیا و جنوب غرب آسیا شاهد بود. این شبکه در صورت تعمیق مشارکت‌های درونی در صورت جلب نگاه روسیه و یا اروپا، می‌تواند در مدت کوتاهی بازتولید شده و ظرفیت‌های ژئواکونومیکی جدیدی را در فضای بین‌المللی ارائه دهد. پیش‌نیاز شکل‌دهی به این شبکه وجود اراده سیاسی، غلبه منافع استراتژیک

بلندمدت در حوزه ژئواکونومی بر منافع کوتاه‌مدت اقتصادی، سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌ها و باثبات‌سازی مناسبات از طریق ترتیبات نهادی است.

۶. نتیجه‌گیری و پیشنهاد

جمهوری اسلامی ایران در یک موقعیت منحصر به فرد جغرافیایی قرار گرفته است. ایران بسترهای ارتباطات ژئواکونومیک با روسیه، آسیای مرکزی، قفقاز، جنوب آسیا، عراق و شامات و حوزه خلیج فارس را فراهم می‌آورد. این امر موقعیتی منحصر به فرد میان منطقه‌ای در حوزه ژئواکونومی را به ایران اعطا می‌کند. از طرف دیگر شکل‌گیری بحران اوکراین با تهاجم نظامی روسیه به این کشور نیز پیامدها و ابعاد ژئواکونومیکی قابل توجهی را در برداشته است. تأثیرگذاری بر اقتصاد و تجارت بین‌الملل، شکل‌گیری رژیم جدید تحریم‌های بین‌المللی، التهاب در بازار انرژی و اثرگذاری بر ترانزیت و امنیت غذایی از جمله پیامدهای ژئواکونومیکی این بحران بوده است. این پیامدها در دو حوزه ترانزیت و انرژی می‌توانند به صورت مستقیم و غیرمستقیم بر موقعیت ژئواکونومیکی میان‌منطقه‌ای ایران تأثیرگذار باشند. در حوزه ترانزیت با شرایط جنگی اوکراین و محدودیت‌های تحریمی روسیه، مسیرهای قابل ارائه از سوی ایران می‌تواند در سطح بالاتری از اولویت‌ها در کریدورهای تجاری آسیای مرکزی ارائه شود. جنگ اوکراین همچنین پتانسیل تکمیل کریدور اقتصادی چین-آسیای مرکزی-غرب آسیا را با محوریت ایران افزایش داده و این موضوع می‌تواند فرایندهای مرتبط با توسعه زیرساخت‌ها و جذب سرمایه‌گذاری را تسریع نماید. هر دو فرایند منجر به تقویت موقعیت ژئواکونومیک میان‌منطقه‌ای ایران با دو ابرمنطقه اوراسیا و اروپا شود.

در حوزه انرژی نیز نخستین و ابتدایی‌ترین مؤلفه اثرگذار بر موقعیت ژئواکونومیک میان‌منطقه‌ای و در واقع بین‌المللی ایران، افزایش درآمدهای صادراتی ناشی از افزایش قیمت جهانی نفت بوده است. در وجه میان‌مدت اما آزاد شدن پتانسیل‌های ایران برای پر کردن خلأ ناشی از تلاش غرب برای حذف نفت روسیه می‌تواند منجر به ارتقای ظرفیت‌های دیگر ایران شود. در حوزه انتقال انرژی نیز محدودیت‌های صادرات نفت قزاقستان از مسیر روسیه به اروپا، این کشور را به سمت مسیرهای جنوبی از طریق ایران و جمهوری آذربایجان سوق داده است. همچنین ایران ظرفیت‌های ترانزیتی قابل توجهی برای انتقال منابع عظیم زغال‌سنگ قزاقستان دارد. در حوزه گاز با توجه به محدودیت‌های تولید و مصرف گاز در داخل

کشور، در کوتاه‌مدت ایران ظرفیتی برای جایگزینی گاز روسیه برای اروپا ندارد. لکن، در میان‌مدت و بلندمدت از طریق جذب سرمایه‌گذاری، افزایش ظرفیت تولید و نیز مدیریت مصرف داخل می‌تواند چنین ظرفیتی را به‌عنوان یک آلترناتیو ایجاد کند. با این حال در کوتاه مدت این مؤلفه می‌تواند به‌عنوان یک کاتالیزور در گفت‌وگوهای سیاسی با اروپا و غرب مطرح شود.

به‌طور کلی تمام روندهای پس از جنگ اوکراین در حوزه ژئواکونومی تقویت‌کننده موقعیت میان‌منطقه‌ای ایران بوده است. این وضعیت در صورت تداوم، باثبات‌سازی و پیوست مؤلفه‌های سیاسی و امنیتی می‌تواند در میان‌مدت به شکل‌گیری یک شبکه میان‌منطقه‌ای جدید با محوریت اوراسیا و جنوب غرب آسیا منجر شود. تغییر نگرش استراتژیک منطقه اوراسیا پس از جنگ اوکراین و نقش‌های ژئواکونومیک جنوب غرب آسیا، مهم‌ترین محرکه این نگرش راهبردی خواهد بود. در این میان اما تحریم‌های یک‌جانبه آمریکا مادامی که سطحی از هژمونی آمریکا در نظم بین‌المللی وجود دارد و اتحاد راهبردی غرب با محوریت آمریکا و اروپا همچنان بخش بزرگی از اقتصاد جهانی را تشکیل می‌دهد، عاملی تأثیرگذار و محدودکننده بر برآوردهای فوق‌الذکر محسوب می‌شود. در کنار این موارد موضوع دیگری که می‌بایست مورد توجه قرار بگیرد، صف‌بندی مشترک ایران و روسیه در کنار یکدیگر در چهارچوب این جنگ است. این در حالی است که کشورهای دیگر، حتی جمهوری‌های شوروی سابق و چین نیز به‌ندرت چنین رویکردی را مد نظر قرار داده و یا حتی از سوی غرب مورد توجه قرار گرفته‌اند. در چنین شرایطی مؤلفه‌های سیاسی نیز به‌عنوان یک عامل اجابتی می‌تواند محدودکننده ظرفیت‌های فوق‌الذکر باشد.

References

- Afrasyaban, Vahid (2021) The trio of USA, Russia and Ukraine in the structure of the international system in 2022, Nations Research, No. 75, pp. 99-116 [In Persian].
- Alavi, Zaid Mustafa, (2022), Russia-Ukraine Conflict: Sanctions and Effects on the World, International Journal of Social Science and Economic Research, Vol. 7, No. 5, pp. 1312-1322, doi: 10.2139/ssrn.4153077.
- Ben Hasssan, Tarek, El Bilali, Hamid, (2022), Impacts of the Russia-Ukraine War on Global Food Security: Towards More Sustainable and Resilient Food Systems?, Foods, Vol. 11, No. 15, pp. 1-27, doi: 10.3390/foods11152301.
- BRI, No date, Belt and Road Initiative, Available from: <https://www.beltroad-initiative.com/belt-and-road/>, Accessed on: 2022/9/2.
- British Petroleum (BP), (2021), Statistical Review of World Energy 2021, 70th edition, Available from: <https://www.bp.com/>, accessed on: 2022/8/28.
- Chatterjee, Sanchita, (2018), International North South transport corridor (INSTC) connecting India Central Asia, International Journal of Research in Social Sciences, Vol. 8, No. 4, pp. 601-616.
- Ciuriak, Dan, Geoeconomics in a Multipolar World: Rules of Engagement for the Small Open Economy (May 25, 2022). Policy Perspective. Canadian Global Affairs Institute, May 2022, <http://dx.doi.org/10.2139/ssrn.4095460>.
- CNBC, (2022/6/3), OPEC+ has 'kind of broken down' as Russia loses relevance and group faces tight spare capacity, Available from: <https://www.cnbc.com/2022/06/03/oil-markets-opec-has-limited-spare-capacity-russia-is-less-relevant.html>, Accessed on: 2022/9/3.
- Csurgai, Gyula, (2017), The Increasing Importance of Geo-economics in Power Rivalries in the Twenty-First Century, Geopolitics, Vol. 23, No. 1, pp. 38-46, doi:10.1080/14650045.2017.1359547.
- Friedman, Brandon, (2018), Iran's Hezbollah Model in Iraq and Syria: Fait Accompli?, ORBIS, Vol. 62, No. 3, pp. 438-453, doi:10.1016/j.orbis.2018.05.005.
- Johannesson, Jokull, Clowes, David, (2020), Energy Resources and Markets: Perspectives on the Russia-Ukraine War, European Review, Vol. 30, No. 1, pp. 1-20, doi:10.1017/S1062798720001040.
- Khasanov, Ulugbek, (2022), On Some Specifics of Central Asian Transportation Potential, In Yann Alix et al, "Logistics and Diplomacy in Central Asia", Paris: EMS, pp. 24-30.
- Kiss, Monica, (2022), Russia's war on Ukraine: Implications for transport, EPRS BRI, No. 733536, pp. 1-8.
- Kumar, Dharmendra (2022) Russia-Ukraine Crisis And Economic Sanction: Power Politics Through Geoeconomic Means, Shanti Journal, Vol. 1, No. 1, pp. 167-182, DOI:10.3126/shantij.v1i1.47815.
- Kumenov, Almaz, (2022/08/22), Kazakh oil exports across Russia interrupted for fourth time this year, Available from: <https://eurasianet.org/kazakh-oil-exports-across-russia-interrupted-for-fourth-time-this-year>, Accessed on: 2022/9/3.

- Liadze, Iana, et al, (2022), The Economic Costs of the Russia- Ukraine Conflict, NIESR, Policy paper No. 32, 2 March 2022, pp. 1-12.
- Mashhadi Rajabi, Mona, (2017/5/26), One belt one road, Available from: <https://www.tejaratefarda.com/fa/tiny/news-21819>, Accessed on: 2023/6/23 [In Persian].
- Mendez, Alvaro, Forcadell, Francisco Javier, Horiachko, Kateryna, (2022), Russia-Ukraine crisis: China's Belt Road Initiative at the crossroads, Asian Business & Management, No. 21, pp. 488-496, doi: 10.1057/s41291-022-00195-1.
- Minaei, Mahdi, (2005), The geo-economic status and position of the Islamic Republic of Iran and its role in keeping and promoting national security, Quarterly geographical journal of Territory, Vol. 2, No. 6, pp. 15-25, [in Persian].
- Moisiu, Sami, (2018), Towards Geopolitical Analysis of Geo-economic Processes, Geopolitics, Vol. 23, No. 1, pp. 22-29, doi: 10.1080/14650045.2017.1326481.
- MokhtariHashi, Hossein, (2018), Explaining the Concept of Geo-economics and Recommendations for Iran, International Quarterly of Geopolitics, Vol. 14, No. 50, pp. 56-82, doi: 20.1001.1.17354331.1397.14.50.3.1, [in Persian].
- Noorali, Hassan, Ahmadi, Seyyed Abbas, (2022), highlighting the Geopolitical Challenges Facing the China One Belt One Road Initiative, International Quarterly of Geopolitics, Vol. 18, No. 66, pp. 1-34, doi: 20.1001.1.17354331.1401.18.66.1.9.
- Noruzzadeh, F., Goodarzi, M., & Masoudnia, H. (2022). Geopolitical and Geo-economical Role of Persian Gulf Energy (Oil & Gas) Transit in Implementing Islamic Republic of Iran's Regional Policy. Geopolitics Quarterly, 18(3), 228-255 [In Persian].
- Onour, Ibrahim, Abdo, Mai, (2022), Sensitivity of Crude Oil Price Change to Major Global Factors and to Russian-Ukraine War Crisis, Journal of Sustainable Business and Economics, Vol. 5, No. 2, pp. 69-75, doi: DOI:10.30564/jsbe.v5i2.4641.
- Orhan, Ebru, (2022), The Effects of the Russia - Ukraine War on Global Trade, Journal of International Trade, Logistics and Law, Vol. 8, No. 1, pp. 141-146.
- Otsuka, Akihiro, (2021), A new approach to inter-regional network externalities in Japan, Regional Science Policy and Practice, Vol. 13, No. 3, pp. 1051-1057, doi:10.1111/rsp3.12291.
- Ozili, Peterson, (2022), Global Economic Consequence of Russian Invasion of Ukraine, Social Science Research Network, No. 11, pp. 1-27, doi: 10.2139/ssrn.4064770.
- Pradhan, Ramakrushna, (2021), Energy Geopolitics and the New Great Game in Central Asia, Millennial Asia, Vol. 13, No. 2, pp. 265-288, doi: 10.1177/09763996211003260.
- Sajjadi, Marziehsadat, Salehi, Hamid (2022) Positions and foreign policy strategy of the Islamic Republic of Iran in the Ukraine crisis (February 24, 2022), Crisis Management Studies Quarterly, Vol. 14, No. 3, pp. 45-74 [In Persian].
- Samii Isfahani, A., & Farahmand, S. (2022). Russia-Ukraine War and the Future of International Order. Central Asia and The Caucasus Journal, 28(118), 87-113 [In Persian].

- Scholvin, Soren, Wigell, Mikael, (2018), Power politics by economic means: Geo-economics as an analytical approach and foreign policy practice, *Comparative Strategy*, Vol. 37, No. 1, pp. 73-84, doi: 10.1080/01495933.2018.1419729.
- Solhdoost, Mohsen, (2021), Iran's geo-strategic orientations toward China and India, *Journal of the Indian Ocean Region*, Vol. 17, No. 1, pp. 60-77, doi: 10.1080/19480881.2021.1878583.
- Sun, D., Zoubir, Y. H, (2015), China's Economic Diplomacy towards the Arab Countries: challenges ahead?, *Journal of Contemporary China*, Vol. 24, No. 95, pp 903-921, <https://doi.org/10.1080/10670564.2015.1013379>.
- Tabagari, Khatuna, (2018), The Perspectives of Iran-EU Partnership in Energy Sector, *lixir Economic*, No. 124.
- Vihma, Antto, (2017), Geo-economic Analysis and the Limits of Critical Geopolitics: A New Engagement with Edward Luttwak, *Geopolitics*, Vol. 23, No. 1, pp. 1-21, doi: 10.1080/14650045.2017.1302928.
- Wang, Wan, (2015), Impact of Western Sanctions on Russia in the Ukraine Crisis, *Journal of Politics and Law*, Vol. 8, No. 2, pp. 1-6, doi: 10.5539/jpl.v8n2p1.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



پروشکاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی